



اساساً در مواجهه تاریخی با جنگ ایران و عراق، از یک جنگ ۸ ساله سخن به میان می‌آید که به طور مشخص در نبردهای زمینی و بعضاً برخی درگیری‌های هوایی و دریایی خلاصه می‌شود. واقعیت این است که جنگ عراق علیه ایران ابعاد گسترده و وسیع‌تر از آنچه عنوان شد داراست. به گونه‌ای که می‌توان در این مخاصمه از جنگ‌های متعددی نام برد که برخی از آنها عبارتند از: جنگ ماقبل جنگ، جنگ شهرها، جنگ شیمیایی، جنگ نفتکش‌ها، جنگ قیمت‌ها یا جنگ نفت و… برای شناخت و آگاهی بیشتر و بهتر از این جنگ‌ها– که در درون جنگ ۸ ساله واقع شده و بعضاً مورد غفلت قرار گرفته‌اند– ذیلاً هر یک به اختصار تشریح خواهد شد.

■ **جنگ ماقبل جنگ**

اساساً شروع جنگ ایران و عراق ۳۱ شهریور ۵۹ اعلام می‌شود. علت نیز حمله سراسری ارتش عراق به ایران از زمین و هوا در این تاریخ است اما واقعیت این است که به‌رغم حمله رسمی و سراسری عراق به ایران در ۳۱ شهریورماه، دولت بعث عراق و ارتش این کشور از پیروزی انقلاب اسلامی تا تاریخ مذکور تحرکات مرزی فراوانی در مرزهای مشترک انجام دادند که می‌توان از آن به زمینه‌سازی برای جنگ اصلی تعبیر کرد. این دوره اصطلاحاً «جنگ ماقبل جنگ» خوانده می‌شود. طبق آمار وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، عراق از ۱۳ فروردین ۵۸ تا پایان مرداد ۵۹، ۳۹۷ بار به مرزهای زمینی، دریایی و هوایی ایران تجاوز کرده است. برخی تجاوزات و تحرکات مرزی عراق علیه ایران تا مرداد ۵۹، در دوره‌ای که «جنگ ماقبل جنگ» خوانده می‌شود، به شرح زیر است:
– بمباران منطقه مرزی شیرین، ۸ اسفند ۵۷ – تجاوز ۴ هلی کوپتر عراقی به حریم هوایی ایران در مرز میروان، ۲۱ اسفند ۵۷

– تیراندازی نیروهای مرزی عراق به پاسگاه‌های مرزی ایران و تجاوز هوایی هواپیماهای این کشور به حریم هوایی ایران، ۱۵ خردادماه ۵۸ – تجاوز پلیس عراق به داخل خاک ایران در روستاهای مرزی آذربایجان غربی و حمله به عشایر ایرانی، ۳ تیرماه ۵۸

– تجاوز هوایی به میروان، ۹ تیرماه ۵۸

– شلیک موشک آرپی جی ۷ به سوی کامیون سپاه و خودروی ارتش از خاک عراق در منطقه شلمچه، ۱۰ تیرماه ۵۸
– تصرف پاسگاه مرزی «بزمیرآباد» از سوی نیروهای عراقی، ۱۴ آذرماه ۵۸
– حمله هزار مهاجم عراقی به پاسگاه‌های مرزی ایران، ۲۳ بهمن‌ماه ۵۸
– حمله نیروهای عراق به ۲ پاسگاه مرزی تنگابنو و خسروی در نوار مرزی قصر شیرین، ۹ فروردین ۵۹
– بمباران قصر شیرین، ۱۳ خرداد ۵۹
– خمپاره‌باران قصر شیرین، ۱۵ تیر ۵۹
– تلاوه بر تشدید تجاوزات مرزی عراق علیه ایران، از اوایل سال ۵۹ جنگ تبلیغاتی رژیم بعث نیز ضد انقلاب ایران بشدت افزایش یافت. در این تهاجم تبلیغاتی، عراق از یکسو صریح‌تر از همیشه درخواست‌های خود را بیان و از سوی دیگر صدام هرگونه عدم رضایت و وقوع حادثه‌ای را در عراق، به جمهوری اسلامی ایران منتسب می‌کرد و حملات شدید تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی به راه می‌انداخت. در کنار این اقدامات، دولت عراق به کمک عوامل خود به یک رشته خرابکاری‌ها نظیر بمب‌گذاری در داخل ایران دست زد. بنابراین پیش از شروع رسمی جنگ، جنگ عراق علیه ایران آغاز شده بود و عراق جنگی ماقبل جنگ ۸ ساله را شروع کرده بود.

■ **جنگ شهرها**

آنچه در جنگ ایران و عراق به عنوان «جنگ شهرها» خوانده می‌شود، در چند مرحله انجام گرفت. نخستین مرحله از جنگ شهرها با حملات عراق به شهرهای ایران از ۱۲ اسفند ۶۳ آغاز شد و تا ۱۷ فروردین ۶۴ ادامه یافت. در این مرحله، ۲۹ شهر و چندین روستای کشور ۱۱۸ بار مورد حملات موشکی، هوایی و توپخانه‌ای عراق قرار گرفت. آمار شهدای این مرحله از جنگ شهرها ۱۲۲۷ نفر و آمار مجروحان ۴۶۸۲ نفر اعلام شد. دوره دوم جنگ شهرها ۵ خردادماه ۶۴ آغاز شد و تا ۲۴ خرداد ادامه پیدا کرد. در این مرحله نیز مجموعاً ۲۷ شهر و چندین روستا ۱۰۵ بار توسط موشک، هواپیما و توپخانه مورد حمله قرار گرفتند و طبق آمار رسمی، ۵۷۰ نفر شهید و ۱۳۳۲ نفر مجروح شدند. سومین مرحله از جنگ شهرها ۲ روز پس از آغاز عملیات کربلای ۵ از تاریخ

تانک‌ها

جنگ عراق علیه ایران چه دوره‌هایی را طی کرد؟

۵ فاز دفاع مقدس

- عرفان حکیمی*

نیروهای ایران در محورهای هلاله، نی‌خزر و منطقه عمومی میمک مبادرت ورزید. پس از آن، سال ۶۰ دامنه کاربرد این سلاح‌ها را در جبهه‌های هویزه، تپه‌های الله‌اکبر، جسر نادری و خرمشهر نیز به صورت پراکنده مورد آزمایش قرار داد. سال ۶۱ کاربرد و حجم عوامل شیمیایی از سوی عراق افزایشی نسبی یافت و در این رابطه فرماندهی و رسته جنگ‌های شیمیایی به سزایمان رزم ارتش عراق، افزوده شد. در این سال استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جبهه‌های آبادان، میروان، تپه شرفانی و شلمچه بیش از ۱۵ شهید و ده‌ها مصدوم بر جای گذاشت. پس از والفجر ۲ نیز عراق به طور نسبتاً وسیع، روستاهای مرزی و منطقه عملیات را بمباران شیمیایی کرد که بر اثر آن ده‌ها تن از رزمندگان و مردم بومی شهید و مصدوم شدند. اما گسترده‌ترین استفاده از سلاح‌های شیمیایی از آغاز جنگ تا سال چهارم گرفت که در نتیجه آن صدها نفر شهید و حداقل ۲۷۰۰ نفر مصدوم شدند. یک سال بعد در جریان عملیات بدر در اسفند ۶۳ عراق مجدداً در سطحی وسیع‌تر از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد. در این زمان، ارتش عراق در ابعادی گسترده اقدام به بمباران و گلوله‌باران شیمیایی کرد که علاوه بر مناطق عملیاتی اورژانس‌ها و عقبه‌ها نیز به مواد سمی آلوده شد. در پی انجام عملیات بزرگ والفجر ۸، تصرف شهر فسا و در حالی که عراق شکستی فاحش را تجربه کرده بود، برای چندمین بار اقدام به استفاده از سلاح‌های شیمیایی کرد. در این رابطه، ارتش عراق، خطوط مقدم شهر فسا، سواحل اروندرود، دانه خلیج فارس، خسروآباد، قفص، خرمشهر، پادگان حمید و جفیر و دیگر عقبه‌ها، جاده‌ها، اورژانس‌ها و حتی بیمارستان‌های فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها و علی بن ابیطالب علیه‌السلام، جاده‌های بهمنشیر، ماهشهر، آبادان و اهواز را با چندین اسکادران هواییسمای بمبافکن و بیش از ۱۰۰ قبضه توپ مورد بمباران و گلوله‌باران شیمیایی قرار داد. در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ نیز منطقه عمومی شلمچه، جزایر ام‌الرصاع، کانال پرورش ماهی، کانال زوجی، پنج‌ضلعی، شهرک دویتیجی، دژهای مرزی، خطوط پشتیبانی و حتی شهر خرمشهر تا پاسگاه‌های حسینیه و پادگان حمید از سوی عراق بمباران شیمیایی شد.

اوایل سال ۶۶ با انجام عملیات کربلای ۸، ارتش عراق به گونه‌ای بی‌سابقه علیه نیروهای ایرانی مستقر در خرمشهر به بمباران و گلوله‌باران شیمیایی با گلوله‌های توپ، خمپاره و حتی موشک‌های کاتیوشا اقدام کرد. بر اثر این حملات، تعدادی از نیروهای نظامی ایران و عده‌ای از کارکنان غیرنظامی و کارمندان ادارات خرمشهر مصدوم شدند. کوتاه‌زمانی پس از حمله شیمیایی فوق و در پی عملیات کربلای ۱۰، مردم عادی شهرها و روستاهای کردستان عراق و مرزنیسان کرد ایرانی مورد حملات شیمیایی عراق قرار گرفتند که حاصل آن صدها کشته و هزاران مصدوم بود. مدتی بعد، ۷ تیر سال ۶۶ هواپیماهای عراقی ۴ نقطه پرازدحام و متراکم جمعیتی شهر سردشت از جمله بازار، بیمارستان، مدرسه، سپاه و… را به طرز وحشیانه‌ای مورد حملات شیمیایی قرار دادند. بر اثر این حملات حداقل ۲۰۰ نفر از مردم عادی شهید و بیش از ۵ هزار از آنان مصدوم شدند. اما بزرگ‌ترین فاجعه‌ای که بر اثر

جنگ شیمیایی عراق علیه ایران و همین‌طور ضد مردم خود عراق به وقوع پیوست بمباران شیمیایی حلبچه بود. این اقدام وحشیانه زمانی انجام گرفت که نیروهای ایرانی با انجام عملیات والفجر ۱۰ به آزادسازی برخی مناطق کردنشین عراق اقدام کردند. در پی این عملیات و با توجه به استقبال مردم کرد از نیروهای ایرانی و در حالی که عراق برای چندمین بار در آستانه یک شکست فاحش قرار گرفته بود، ارتش عراق در اقدامی غیرمتعارف و ضدبشری، ۲۶ و ۲۷ اسفندماه ۶۶، با استفاده از ۴۰ فروند انواع جنگنده بمبافکن، شهر حلبچه و شهرک‌های اطراف آن بویژه آب و را مورد تهاجم گسترده عوامل شیمیایی قرار داد. بسر اثر این حملات، نه‌تنها یک فاجعه در طول ۸ سال جنگ عراق و ایران، بلکه فاجعه‌ای تاریخی رقم خورد. به گونه‌ای که بیش از ۵ هزار انسان، اعم از زنان و مردان جوان و سالخورده و کودکان کشته شدند و بیش از ۷ هزار نفر نیز مورد آسیب‌های شیمیایی قرار گرفتند. جالب توجه اینکبه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز جنگ شیمیایی عراق علیه ایران پایان نیافت، بلکه براساس گزارش‌های موجود، آخرین گلوله شیمیایی ارتش عراق، ۴ شهریورماه ۶۷ به سوی ایران شلیک شد.

■ **جنگ قیمت‌ها؛ نفت**

نفت در ساختار اقتصادی ایران چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، چه پس از آن نقش حیاتی داشته است. بدیهی است تکانه‌های نفتی اقتصاد ایران را در معرض شدیدترین خطرات و لطمات قرار می‌داد. در طول جنگ، نفت حداقل از ۲ طریق در سرنوشت مخاصمه عراق و ایران نقش آفرینی کرد. نخست آسیب دیدن تأسیسات نفتی ایران که عمدتاً در استان خوزستان واقع شده‌اند؛ دوم تلاش‌های سیاسی همپیمانان عراق برای تولید مازاد نفت و پایین آوردن قیمت جهانی آن برای کاهش درآمدهای ایران. در توضیح مورد نخست ضروری است اشاره شود همزمان با تجاوز عراق به ایران و پیشروی در خاک خوزستان و ایلام، مراکز و تأسیسات نفتی نظیر پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال نفت و چاه‌های نفت در خطر اشغال تجاوز و تیررس آن قرار گرفت. همچنین پالایشگاه نفت آبادان با ظرفیتی بالغ بر ۶۲۰ هزار و خطوط انتقال نفت و چاه‌های نفت در خطر اشغال تجاوز و تیررس آن قرار گرفت. همچنین پالایشگاه نفت آبادان با ظرفیتی بالغ بر ۶۲۰ هزار بشکه در روز که ظرفیتی نزدیک به مجموع ظرفیت سایر پالایشگاه‌های ایران داشت] از فعالیت بازایستاد و تا پایان جنگ مورد استفاده قرار نگرفت و همواره در معرض آتش دشمن بود. درباره دوم هم افزودن این توضیح لازم است که کشورهای دوست و همپیمان عراق نظیر عربستان سعودی، کویت، امارات عربی متحده، قطر و… ضمن اینکه با بالا بردن سطح تولید نفت خود سعی در جبران کاهش عرضه نفت همواره کوشیدند تا عرضه مازاد، قیمت نفت را پایین آورند.

نگاهی به آمارهای ارائه‌شده از قیمت نفت در طول ۸ سال جنگ عراق و ایران شهادی بر این مدعاست؛ توضیح اینکه قیمت نفت سبک از ۳۴/۲ دلار در سال ۵۹ (سال آغاز جنگ) به ۱۳/۲ دلار در سال ۶۷ (سال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ) رسید، نفت سنگین نیز از ۳۳/۹ دلار در سال ۵۹ به ۱۲/۸ دلار در سال ۶۷ تنزل یافت.
* **پژوهشگر حوزه دفاع‌مقدس**
منبع:برهان

رتنجامه ۹

نامه تاریخی سیداحمد خمینی

به آیت‌الله منتظری

■ **سند شماره ۱۸:**

«یا می‌دانید در جمهوری اسلامی بر خلاف آنچه در فقه خوانده‌ایم نه جان مسلمان محترم است نه مال او، قاضی حکم می‌کند مال او را بدهید، خانه او را بدهید، کسی گوش نمی‌کند مخصوصاً اگر در تصرف بنیادهای انقلاب باشد و افراد شورایعالی قضایی هم از ترس یکدیگر یا ترس از تلفن‌های مقامات یا جوسازی‌های غلط بر این همه خلاف شرع‌ها به‌وسیله سکوت صحه می‌گذارند».
حال ببینیم علت این نوع قضاوت‌ها چیست. مهدی هاشمی در صفحه ۲ جلد سوم پرونده خود درباره کارهای آقای هادی هاشمی آورده است:

■ **سند شماره ۱۹:**

«یجاد تستیہلات لازم جهت ملاقات‌های نیروهای مسالہ‌دار و معترض با آقا چون دکتر پیمان و وابستگان به نهضت آزادی».

حضرت آیت‌الله منتظری!

آیا تصور نمی‌کنید افرادی که حساب شده به دیدار شما می‌فرستادند از منافقین و لیبرال‌ها بوده‌اند که شما را به این موضع غلط بیندازند؟ آیا باطمینانی که شما به مهدی هاشمی و برادر او دارید و آنها را متدین و با تقوا می‌دانید فکر نمی‌کنید شما را آلت دست خویش و گروه خویش قرار داده‌اند؟ آیا افراد شورایعالی قضایی غیر از ریاست دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور را شما انتخاب نکرده‌اید؟ آیا نباید از شما سؤال کرد که اکثریت شما را که به دست شما انتخاب می‌شود چرا از افراد ترسو (به زعم شما) انتخاب کردید که با تلفن‌های مقامات حکم خدا را تعطیل کنند؟ یا مال و جان مسلمانان برایشان محترم نباشد؟ آیا مقامات جمهوری اسلامی کسانی هستند که بخواهند حتی را ناقص کنند؟ آیا مقامات نظام اسلامی غیر از وکلا و وزرا و رؤسای ۳ قوه هستند؟ مقصود شما از مقامات جمهوری اسلامی که کارمند معمولی یک وزارتخانه نیست، آیا شورایعالی قضایی اینقدر بی‌دین‌اند که با یک تلفن یک مقام، دنیا و آخرت خود را بفروشند؟ آیا این حرف‌ها پیش خداوند متعال جواب ندارد؟ شما در همین نامه ۶۵/۷/۱۷ آورده اید:

■ **سند شماره ۲۰:**

«بالاخره با وضع فعلی ناچارم از کارهای سیاسی کشور کنار بمانم و به درس و بحث طلبگی و کارهای جزوی بردارم.بنابراین تقاضا می‌کنم به من کاری راجع نشود ضمناً در وجوه شرعیہ کمیته‌ای بسازند که به وقت حضرت تعالی تصرف می‌کنم».
آیا باز بر این عقیده‌اید که خود تصمیم می‌گیرید و خود به این نتیجه رسیده‌اید که از کارهای سیاسی کشور کنار بروید و آقا هادی و آقا مهدی در شما نفوذ نداشته‌اند؟ آیا داعیه انفصال شما از نظام ما‌ها قبل از این نوشته شما در دستور کار آقا هادی و آقا مهدی نبوده است؟ که امروزه تحقیق یافته است. آقای هادی هاشمی در نامه به آقا هادی هاشمی نوشته است:

■ **سند شماره ۲۱:**

«شما متأسفانه با همان روحیه خود محوری و تنگ نظری که داشتید و همه چیز را به معیارهای ناقص خودت می‌سنجید، سبب بسیاری از فجایعی شدی که عوارض بسیاری را متوجه انقلاب ساخت و در حساس‌ترین لحظات تاریخ کشور و انقلاب و جنگ، داعیه لزوم انفصال آیت‌الله منتظری از نظام و مسؤولان را سر دادی که خدا می‌داند چه گناه بزرگی مرتکب شده‌ای و امیدوارم که از گذشته توبه کرده باشی».
آقا مهدی هاشمی در نامه‌ای به حضرت تعالی راجع به مسالہ انفصال شما از حکومت چنین می‌گوید:

■ **سند شماره ۲۲:**

«خدا را گواه می‌گیرم و آقای اخوی نیز اگر یک لحظه وجدان خویش را به داوری فرخواند، شهادت خواهد داد که قطع رابطه با نظام ره‌شورد مجموع حرکت‌هایی بود که ایشان با زمینه‌سازی ملاقات‌های خطی، بزرگ‌نشان دادن ضعف‌ها و کمبودهای کشور و ارائه تحلیلی‌های افراطی و القابات حساب نشده طی چندین ماه انجام داده است».
مردم شریف ایران باید کاملاً توجه کنند که جدایی آیت‌الله منتظری یک برنامہ حساب شده آقا هادی و آقا مهدی بوده است که ما‌ها قبل طراحی شده و امروز به نتیجه رسیده است. آیا باز عقیده بر این است که امام یکم‌تبه آقای منتظری را کتلر گذاشتند؟ آیا باز عقیده بر این است که کسانی برای کسب قدرت ایشان را تصفیه کرده‌اند؟ آیا ۴-۳ سال صبر و تحمل امام و اتیانم حجت، کافی نبود؟ آیا امام آقا هادی را نیزذیرفت تا دیگر حتی کسی نگوید راجع به آقای هادی هاشمی کوتاهی شد و اگر نمی‌شد وضع به اینجانی نمی‌کشید. آیا آقا هادی به ایشان جریاناتی را که بین من و او در ملاقات‌های مکرر اتفاق افتاد نگفته است؟ آیا من ناسزاهای مکرر زبان‌ه را به جان خریدم و با آقا هادی برای رضایت خدا و امام ملاقات‌های مکرر نکردم؟ شما در همین نامه ۶۵/۷/۱۷ آورده اید:

ادامه دارد ...

ز نادانی در افتادی درین آتش، ز نادانی

حاضر نخواهد بود از این اظهارنظر شاذ و نابخردانه دفاع کند و هاشمی در این منلق خود هیچ موافقی ندارد.

اول – جناب هاشمی برای اثبات منطق نامقبول خود ۲ کشور ژاپن و آلمان را مثال می‌زند که بعد از جنگ دوم جهانی به جای صرف بودجه برای توان نظامی‌شان، توان علمی و اقتصادی خود را تقویت کردند، حال آنکه ایشان یا تاریخ روابط بین‌الملل را نمی‌خوانند است یا خواسته آن را سانسور کنند، چرا که آلمان و ژاپن شروع کننده جنگ جهانی بودند و پس از شکست، اشغال شدند و راهی جز قبول شروط طرف پیروز جنگ نداشتند و اساساً پس از جنگ دوم جهانی و تحقیرهای متمادی این دو کشور، اولین شرط حضور آنها در جامعه جهانی (از سوی همان کشورهای پیروز) قطع فعالیت‌های نظامی‌شان بود! این در حالی است که ایران که جنگی را آغاز کرده و نه توان نظامی را می‌خواهد در خدمت جنگ بگیرد و تلاش در این جهت برای بالابردن توان بازآزادنگی نظامی است، همچنین

این روزها محکم‌ترین اقتصاد دنیا را دارند، اینها بعد از جنگ دوم جهانی از اینکه نیروی نظامی داشته باشند محروم شدند. نیروهای نظامی بیشترین خرج کشورهای در حال جنگ را می‌برند و از این رو با این اقدام پول‌های‌شان آزاد شد و به‌دنبال کارهای علمی و تولیدی رفته و اقتصاد دانش‌بنیان برای خود درست کردند، لذا دیگر آسیب‌پذیر هم نیستند، این راه در ایران باز شده است و مدیران و دلسوزان و معلمان باید وارد این فضا شوند، مطمئناً دوره دوم دولت روحانی می‌تواند ما را به آنجا برساند.» یعنی می‌تایم هاشمی دارد غیرعقلانی و از سر جهل و نادانی سخن می‌گوید و مگر می‌شود کسی عقلاانه دستور به تسلیم شدن و خلع سلاح خود دهد؟

اما حالا با هاشمی که صحبتی از سر جهل و نادانی دارد چه کنیم؟ آینا هیچ‌کس حتی نزدیک‌ترین افراد سیاسی به وی حاضرند از این منلق غیرعقلانی دفاع کنند و توجیه‌گر هاشمی باشند؟»
حناقل به ۴ دلیل می‌توان گفت کسی

^[1] جنگ عراق علیه ایران چه دوره‌هایی را طی کرد؟